هوالأبهی - يا من فدی روحه و فؤاده و ذاته و کينونته…

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



## ١٣٣

### هوالأبهی

يا من فدی روحه و فؤاده و ذاته و کينونته و ما له و عليه فی سبيل جمال اشرقت بنوره ملکوت من فی السّموات و الارضين افاض اللّه عليک سحائب رحمانيّته و نوّر وجهک بفيوضات شمس بهائه و احيی قلبک بنفحات قدسه و انعش روحک ببشارات تأييده و نوّر سرّک بضياء توفيقه و جعلک آية رحمته و راية کلمته بين العالمين\*\*.\*\*

تمنّای عروج و آرزوی صعود فرموده بوديد اگر چه اين مراتب دليل بر انقطاع و برهان توجّه خالص الی اللّه است ولکن حضرت اعلی روح الوجود له الفداء در توقيعی که به ميرزا عبدالکريم مرقوم فرموده‌اند ميفرمايند انّ الّذين استشهدوا فی سبيل اللّه ذلک من فضل اللّه يؤتيه من يشاء و اللّه ذو فضل عظيم و انّک انت يا احمد لا تطمئن بذلک لانّک اسم الاوّل فی کتاب عظيم لو تجعل الارض و من عليها فی ظلّک انّک اذاً قد وفيت بعهدی والّا ذلک لاينبغی لِلّه ربّک ربّ العالمين\*\*.\*\*

باری بايد آن جناب اليوم با کمال استقامت و رسوخ بر اعلاء کلمه الهيّه قيام نمائيد زمان عروج و صعود نه و وقت فرار و پناه بردن به جوار رحمت جمال مختار نيست وقت حمل شدائد و بلايا و مشقّات و رزايا است جناب نبيل اعظم خود را از غرقاب آلام و محن به دريای اعظم انداخت و به ساحل سرور و حبور و جوار ربّ غفور شتافت لکن اين مظلوم مهجور مبتلای هجران و حرمان در هر ساعتی در هزار گرداب بلا و لجّه ابتلا غرق و مبتلا ولکن جز صبر و تحمّل چه چاره توان نمود انّما اشکو بثّی و حزنی الی اللّه و اسکت عجزاً عن امور کثيرة بنطقی لن تحصی ولو قلت قلّت. با وجود اين از تأييد ملکوت ابهی اميدواريم که به قوّه الهيّه اين بلايا را که چون طوفان اعظم است مقاومت نمائيم و سينه شرحه شرحه هدف سهام از جميع جهات کنيم لعمرک لو مرّت نفحة من بلايائی علی مشام احبّاء اللّه لشقّوا القلوب قبل الجيوب و لطموا الوجوه و حرجوا الخدود و صاحوا و ناحوا و حنّوا و انّوا و ضجّوا و صرخوا فی مصيبتی و بلائی و حزنی و آلامی و تفجّعی و توجّعی و اضطرابی ولکنّنی اشکره و احمده فی هذا الکرب العظيم و البلآء العقيم و لی فی جماله المبين اسوة حسنة بين العالمين. ربّ اجعلنی صابراً فی بلائک راضياً بقضائک مطمئنّاً ساکناً فی تلاطم امواج بحر افتتانک ثابتاً راسخاً عند اشتداد زوابع امتحانک ای ربّ افرغ عليّ صبراً و انت خير الرّاحمين\*\*.\*\*

اليوم بايد جميع شئون را فراموش نمود مگر يک شأن و آن اعلاء کلمة اللّه و اطاعت و نصرت امر اللّه است اگر وفای به عهد اللّه و ميثاقه خواهيم اين است زمان فنا و وقت فدا خواهد رسيد بايد در اين غيبت و مصيبت جانفشانی نمود و به ثنای حقّ بين خلق برخاست و نار اللّه الموقده در قلب امکان زد و به نفخه صور الهی و نفحه گلزار زهور رحمانی آفاق را زنده و تر و تازه نمود پس آهنگ ملأ اعلی کرد و در ملکوت ابهی با وجهی منوّر و روحی مطهّر وارد شد والّا محزون و مهموم و کسل و مغموم از اين عالم به عالم ديگر شتافتن چندان لطفی ندارد نسئل جماله الابهی ان يوفّقک علی امرٍ يهتف بذکره الملأ الاعلی…

